



چون مردم از بسیاری شهرها به دیدن عیسی می آمدند و جمعیتی انبوه گرد آمد، او این مثل را آورد» 5: روزی برزگری برای پاشیدن بذر خود بیرون رفت. چون بذر می پاشید، برخی در راه افتاد و لگدمال شد و پرندگان آسمان آنها را خوردند. 6 برخی دیگر در زمین سنگلاخ افتاد، و چون روید، خشک شد، چرا که رطوبتی نداشت 7. برخی نیز میان خارها افتاد و خارها با بذرها نمو کرده، آنها را خفه کرد 8. اما برخی از بذرها در زمین نیکو افتاد و نمو کرد و صد چندان بار آورد.» چون این را گفت، ندا در داد: «هر که گوش شنوا دارد، بشنود!» 9 شاگردانش معنی این مثل را از او پرسیدند 10. گفت: «درک رازهای پادشاهی خدا به

شما عطا شده است، اما با دیگران در قالب مثل سخن می گویم، تا:

”«بنگرند، اما نبینند؛ بشنوند، اما نفهمند. معنی مثل این است: بذر، کلام خداست 12. بذرهایی که در راه می افتد، کسانی هستند که کلام را می شنوند، اما ابلیس می آید و آن را از دلشان می رباید، تا نتوانند ایمان آورند و نجات یابند 13. بذرهایی که بر زمین سنگلاخ می افتد کسانی هستند که چون کلام را می شنوند، آن را با شادی می پذیرند، اما ریشه نمی دوانند. اینها اندک زمانی ایمان دارند، اما به هنگام آزمایش، ایمان خود را از دست می دهند 14. بذرهایی که در میان خارها می افتد، کسانی هستند که می شنوند، اما چون می روند نگرانیها، ثروت و لذات زندگی آنها را خفه می کند و بیثمر نمی رسند. 15 اما بذرهایی که بر زمین نیکو می افتد، کسانی هستند که کلام را با دلی پاک و نیکو می شنوند و آن را نگاه داشته، پایدار می مانند و ثمر می آورند.

مثال فوق در مورد کشاورزی است که ۳ بار بذر را در خاک نامناسب می کارد. داستانی که عیسی برای ما تعریف کرد، یک داستان موفقیت آمیز نیست. حتی می توانید بگویید که کشاورز کار غیر منطقی انجام می دهد. حتی برای هر کودکی روشن است که کسی نمی تواند دانه های خود را روی خیابان پرتاب کند. هر کسی همچنین می داند که قبل از کاشت دانه ها باید علف های هرز را بیرون بیاورد تا گیاهان جوان بتوانند رشد کنند. و چه کسی دانه های گرانبار خود را بر روی سنگ سخت خواهد انداخت؟ سوالی که از این مثال بوجود می آید این است که: چرا کشاورز نمی تواند صرفه جو باشد و بذر خود را روی زمین بهتری بکارد؟ آنچه عیسی در اینجا به ما شرح می دهد، تکان دهنده است، زیرا به زودی متوجه می شویم که خدا همین کشاورز است، که به طوری نامعقول دانه ی خود را، که به معنی کلام خداست، به همه جا پرتاب می کند. عیسی می خواهد به ما بگوید که موعظه ی کلام خدا یک داستان موفقیت آمیز نیست.

عیسی با این تصویر می خواهد ما را هول کند. بله ما درست شنیدیم. اکثراً کلام خدا نمی تواند در بطن ما عمل کند چون ما پذیرای خوبی برای آن نمی باشیم. ما انسان ها نه تنها نمی توانیم خدا را درک کنیم بلکه در تناقض با کلام خدا هستیم. آن مثال عیسی شوک کننده است چون خدا که از طریق کلامش کل دنیا را افریده است، اکنون به دلیل سرسختی ما اثری در قلب ندارد. این مسئله به گناهکار بودن ما انسان ها بر می گردد. کلام خدا در بیشتر مردم بی ثمر خواهد بود. زیرا فقط یک چهارم بذر ها بر روی خاک خوب می افتد. حال یک سوال مهمی سخت فکر من را مشغول می سازد که آیا من پذیرای خوبی برای کلام خدا می توانم باشم؟ متأسفانه ما انسان ها کلام خدا را ندیده می گیریم. این مسئله را به خوبی می شناسیم. ما کلام خداوند را به راحتی می شنویم ولی بعد از مدت کوتاهی ما آنها را همانند آن دانه هایی که کلاغ ها خوردند فراموش می نماییم. و یا مثل این می ماند که ما در خانه یک کلام خدا را در تلگرام می بینیم ولی بعد از ۲ ثانیه ما نمی توانیم چیزی از آن را بخاطر بیاوریم. ما همچنین شکل دیگری هم از این نوع بی توجهی را می شناسیم. جایی که من یک جمله از کلام خدا را می شنوم و متوجه آن می شوم که آن جمله خطاب به من گفته شده

است. این جمله گناه ام را برای من به روشنی آشکار می سازد. در این حالت من خیلی به آن موضوع فکر می کنم زیرا آن برای من خیلی حالت جدی پیدا می کند. و با خودم می گویم آیا من در راه اشتباهی افتاده ام؟ و یا آیا من در این راه باعث انجام اعمال ناشایستی شده ام؟ و یا شیطان مدت هاست که در این راه من را اغواء می کند بطوری که من به آن عادت کرده و خو گرفته ام؟ با توجه به این سوال ها من کمی حواسم را به آن جمع می کنم ولی اهمیتی زیادی برای آن قائل نمی شوم و با به صدا در آمدن تلفن ، همه این تفکرات از بین می رود و من گناه خودم را باز فراموش می کنم. این رویداد همانند آن عمل کشاورز می باشد که بذرها را خود را بر روی جاده می پاشد. که در ابتدا به نظر می رسد که آن دانه می تواند رشد کند ولی بعد از مدتی ریشه آن به سنگی برخورد می کند و دیگر از رشد کردن بازمی ماند و این همانند برخورد کلام خدا بر روی قلب سرد ما است که میلی برای تغییر آن نداریم و معمولاً با پیش آمدن چنین موردی به رویه خود ادامه می دهیم و توجهی با خواست خدا نمی کنیم. ما حالت دیگری هم در رابطه با این مثال می شناسیم. جایی که ما به گناه و اعمال نادرست خود آگاه شده و قصد داریم تا خودمان را بهبود ببخشیم و در این راه زحمات زیادی را هم می کشیم ولی بعد از مدتی که ما دوباره در جامعه و در بین دوستان قرار می گیریم همه آن تلاش ها بر باد می روند و دوباره ما از کلام خدا دور گشته و این باعث شکافی بین ما و سخن عیسی می شود. این رخ داد را ما می توانیم با آن دانه هایی که با علف های هرز رشد می کنند مقایسه نماییم و تاثیر آن را در مسیر زندگی مان ببینیم. ما مسیحیان همه این موقعیت ها را می شناسیم ولی خداوند هیچوقت دست از کار بر نخواهد داشت. و همیشه به کار خود ادامه می دهد و همانند آن کشاورز در سرما و گرما و با امید فراوان به هدایت بندگانش می پردازد. اما او می داند که وقتی مقداری از آن بذرها بر روی زمین حاصلخیز پاشیده شود چه محصول پرباری خواهد داد. مثالی که عیسی از آن برای ما شرح می دهد ، داستان ثمره کلام خداوند در این دنیا می باشد. قرن ها است که انسان ها پیامبرهای دروغین را پیروی می کنند. کسانی که کلام خدا را بر زبان می آورند ، آنها را با بی رحمی به قتل می رسانند. خود اعمال عیسی هم در این راه بی نتیجه می ماند. ما می بینیم که همه او را تعقیب می کردند و در انتها شاگردان صمیمی او نیز او را ترک می کردند و در انتها او با تبه کاران دیگر بر روی صلیب می رود ولی او همانند آن کشاورز با صبر فراوان تا آخر به هدفش ادامه می دهد. این عملی است که عیسی با محبت و شکیبایی فراوان انجام داده است که ما بعد از سال ها هم می توانیم آن را به خوبی درک نماییم. این فداکاری عیسی نه تنها برای کل دنیا است بلکه برای هر کسی به صورت شخصی است. هنگامی که عیسی روی صلیب رفت، یک آدم کش در کنار او روی صلیب بود. در آن زمان عیسی او را بخشید. اگر او خودش را برای تمام مردم جهان قربانی نکرده باشد و فقط برای آن تبه کار در روی صلیب بمیرد، او با همین یک عمل به هدفش رسیده است. این را می دانیم که او به دنبال گوسفندان گمشده خداوند آمده است و اگر هم تنها فقط یک گمشده وجود داشت ، باز هم او این از خودگذشتگی را انجام می داد.

همه ما می دانیم که چه رویه ای برای آن بذرهایی که در زمین حاصل خیز و یا در دل پاک پاشیده می شوند پیش می آید. آنها بارهای خیلی زیاد و خوبی به عمل می آورند. چه کسی فکر این را می کرد که دقیقاً چند سال بعد از مرگ و رستخیز عیسی ، خبر نجات را در جاهای دیگر جهان بشنوند؟ و یا تا امروز بعد از نسل های فراوان باز هم عده ای به زندگی جاویدان دعوت بشوند و او را پیروی نمایند؟ زمانی که کلام خدا بر دل های آماده نفوذ کند ثمره های زیادی ببار می آورد که این به ما امیدواری زیادی می دهد. اگر باز هم من این احساس را داشته باشم که کلام خدا در من تاثیری نداشته است دوست دارم همیشه و همیشه باز هم کلام انجیل را بشنوم. اگر من در اعمال گناه الود خود با شیطان می جنگم و در هر مرحله شکست می خورم ولی باز هم دوست دارم فقط سخن عیسی را بشنوم تا از نیروی آن بهره گیرم و دوباره زندگی خودم را از سر بگیرم. همچنین من دوست دارم کمی شبیه آن مرد کشاورز باشم تا در انجام کارهایم بسیار صبور باشم و در مقابل مشکلات هنوز محبت خدا را گسترش دهم. و سعی می کنم که چشم امیدم را به آن بذرهایی بدوزم که یک روزی بالاخره میوه های خوبی به عمل می آورند.

وقتی که ما در این زمانه قصد داریم کلام خدا را به همه بشارت دهیم نایبستی خودمان را با تعداد نفراتی که با آنها سر و کار داشته ایم بسنجیم. با وجود که ممکن است انسان ها تاکنون از عیسی چیزی نشنیده باشند و یا دوست نداشته باشند که گوش فرا دهند ما اجازه نداریم که دست از کار خودمان بکشیم چراکه برای ما تعداد آدم ها مهم نیست بلکه هدف عمل مان است که کلام عیسی را گسترش دهیم. شاید در هر کار دیگری مثل در

تجارت و تبلیغات ، تعداد نفرات جذب شونده مهم باشد ولی این امر در صفات مسیحی ما جایی ندارد. حال ما نگاهی به خدای مان عیسی می اندازیم و می بینیم که انسان ها او را هم رد کردند. در جایی ۶۰۰۰ نفر او را ترک کردند چون به حرف های او آگاهی نداشتند. در جایی دیگر هم که او را در شهر خودش طرد می نمایند و یا در شهرهای اطراف محل زندگی خودش باز هم پس زده می شود. و یا همیشه فریسیان و یا رهبران یهودی به او حمله می کردند. با توجه به پشتکار عیسی ما مسیحیان هیچ وقت نمی توانیم صبر و امید از دست دهیم. در پایان ، سخن عیسی شبیه به آن دانه هایی می باشد که در جان های آماده قرار می گیرند. این امر هم به همین صورت برای ما صدق می نماید. وقتی که ما در بروکه فعالیت می نماییم می دو نیم که بهتر از عیسی نیستیم. انسان ها عیسی را رد کردند آشکار است که همین کار را نسبت به ما خواهند کرد. برای ما تعداد افراد مهم نمی باشد. ما برای آن دسته از آدم ها فعالیت می کنیم که می توانند نجات پیدا کنند. ما این اعمال را همیشه انجام می دهیم زیرا این را می دانیم که کلام خدا همیشه محصول خواهد داد و نه تنها یک بار بلکه هزاران مرتبه. آمین